

فاجعه را تکذیب نکنیم

📅 ۱۸ مهر، روز ملی زاینده‌رود بود؛ پاسداشت واقعی چنین روزی برای مردم و مدیران اصفهان و همه ایرانیان این است که مشکلات را بدون خط‌خوردگی و شفاف با مردم درمیان گذاشته و جامعه را آماده مشارکت در تحمل درد یک جراحی بزرگ و اجتناب ناپذیر کنید. هر فعالیت تأخیری دیگر، مثل تکذیب کل ماجرای فرونشست زمین یا اجرای طرح‌های انتقال آب، فقط تاریخ جراحی را اندکی به عقب انداخته اما ابعاد خطر و احتمال نجات بیمار را هم کمتر خواهد کرد.

بار دیگر تأکید می‌کنم به جای هزینه‌کردن برای اجرای طرح‌های انتقال آب، اجازه دهید سالانه نیمی از برداشت آب از سفره‌های آب زیرزمینی استان - حدود دو میلیارد مترمکعب - برای یک دوره ده‌ساله کاهش یابد. دولت موظف است که خسارت را به مالکان چاه‌هایی که پلمب می‌کند، مستقیم بپردازد و در طول این ده سال هر نوع بارگذاری جدید آب‌بر ممنوع شود؛ البته اصفهان می‌تواند همچنان به سمت ارتقای توسعه‌ای که وابستگی به آب ندارد ازجمله ارتقای شهرک سلامت، استقرار صنایع‌های تک و شهرک‌های علم و فناوری و استحصال انرژی خورشیدی، بادی و تقویت زیرساخت‌های صنعت گردشگری حرکت کند. نیاز آب شرب ۶۰میلیون گردشگر با اقامت میانگین یک هفته در سال، کمتر از دو بیست میلیون متر مکعب می‌شود، یعنی یک بیستم آبی که اینک از سفره‌های آب زیرزمینی استخراج می‌شود. می‌دانید کارآفرینی و درآمد ورود این تعداد گردشگر، بیشتر از چند برابر کل ارزش بخش کشاورزی در استان اصفهان شامل زراعت، باغ، سیلات، دام و طیور است؟ 📌



افتتاح نمایشگاه صنایع‌دستی حکاکی روی فلز در وزارتخانه

نمایشگاه صنایع‌دستی حکاکی روی فلز به‌صورت برجسته و تلفیق با فیروزه در ساختمان مرکزی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی افتتاح‌شده و تا پایان این هفته ادامه دارد. آثار این نمایشگاه از صنایع‌دستی فاخر ایرانی ازجمله بشقاب‌های تزئینی شکلات خوری‌ها در انواع مختلف طرح نقره و برجسته، آجیل خوری‌ها، شیرینی خوری‌های مختلف طرح نقره و برجسته گلدان‌ها، قاب‌ها، زیورات و... است.

گفت‌وگو با ۲ بانوی هنرمند و قالیباف زنجانی که با وجود نابینایی توانسته‌اند به موفقیت‌های بزرگی در این رشته برسند

رنگ‌پاشی در دنیای بی‌رنگ‌ها

🌱 چشمانشان قهوه‌ای خوش‌رنگ است و مثل عقیق می‌درخشد. دلشان حتماً آبی است و لبخند شیرین‌شان سبز رنگ، صدای‌شان طعم پرتقال می‌دهد و مرام‌شان عطر سادگی و صداقت. ظاهرشان رنگارنگ و چشم‌نواز است اما خودشان دنیا را فقط با یک رنگ تماشا می‌کنند؛ سیاه.

البته کسی چه می‌داند شاید دنیای آنها هم سراسر رنگ و زیبایی است برای همین حالا تبدیل شده‌اند به دو هنرمند قالیباف. قالیباف که باشی باید رنگ بشناسی، باید با رنگ‌ها زندگی کنی، باید عاشق رنگ و رنگ‌پاشی روی دار باشی و آنها با دو چشمی که هیچ سویی ندارد، همه اینها را دارند و این یعنی برای خودشان دنیای قشنگی ساخته‌اند؛ دنیایی که فقط با همت، اراده و فعل خواستن جان گرفته است. به دعوت یکی از دوستان سر ازگاری‌ای درآوردم که پاتوق گروهی از نابینایان هنرمند است؛ فضای وسیع و دل‌بازی که آرامش خاصی دارد و تا چشم کار می‌کند، اشیای عتیقه و فرش به شکلی هنرمندانه و زیبا آن را احاطه کرده است؛ محیط دنجی که توسط معلمی بازنشسته برای شاگردان روشن‌دلش فراهم شده تا در روزهای دل‌نگنی محل گردهمایی و آرامش باشد برایشان، شاگردانی که حالا هرکدام جایگاه علمی بالایی را کسب کرده، ولی بی‌کارند!

پای صحبت دو نفر از اهالی این گالری زیبا نشسته و دل به دل پردردشان داده‌ایم؛ پای صحبت شبنم سعادت و فاطمه موحّد که پس از به پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی در جست‌وجوی کار به هنر و حرفه قالیبافی می‌رسند و در آن خیره می‌شوند. قالیبافی توسط نابینایان قبل از این هم با یک همراه و نقشه‌خوان انجام می‌شد اما دلیل این‌که سراغ این هنرمندان نابینا رفته‌ایم، ابتکار درکار قالیبافی و مستقل عمل کردن آنهاست. شبنم و فاطمه همیشه سعی کرده‌اند محدودیت‌هایی را که در مسیر رسیدن به اهدافشان وجود دارد، خودشان رفع کنند. آنها با خط بریل روی نخ‌ها شماره‌بندی کرده‌اند. همچنین با نرم افزاری که روی گوشی نصب کرده‌اند، می‌توانند به تنهایی قالیبافی کنند و دیگر نیاز به همراهی و حمایت دیگری برای بافت قالی ندارند.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

وحشی(۱۱) خدای درویش - کفش علمای دینی- مربوط به هندسه(۱۲) شاهدان- زورق- توهین(۱۳) طرف کنسرو- نوعی دوخت در خیاطی- حسد(۱۴) حرف اول- فلزی نرم و چکش‌خوار- سخن سنج(۱۵) از ساخته‌های سینمایی آلفرد هیچکاک- آواره-آقای آلمانی.

جدول ویژه

افقی: ۱) خرگوش- مجموعه چند سیم روپوش‌دار- مدفن ناصرخسرو ۲) نقاش فرانسوی و خالق تابلوی

حل جدول ویژه شماره ۶۰۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ط	ف	ت	ی	ر	ک	ش	ا	ل	ت	ا	ق	ا	ط	
۲	س	ر	و	ا	ت	ی	ل	ف	ا	ل	ت	ب	و	ش	
۳	م	ل	ی	و	م	ا	ف	ا	ز	ی	ر	و			
۴	ا	ی	و	ا	ن	ا	ل	ا	ل	و	ا	ف			
۵	ی	خ	ی	خ	د	ا	ن	و	ا	ک	ر				
۶	ر	ا	ن	ت	ش	ا	غ	ر	ر	ج	ا	ل			
۷	و	ک	ه	ی	ر	ب	د	ش	ا	ه	ا	ب			
۸	ا	م	ا	ف	ت	و	خ	ی	ز	ه	ف	و			
۹	ش	ا	ه	ا	ن	ی	ا	و	ر	د	ا	ل			
۱۰	ر	و	ا	ر	و	ت	ا	ن	ا	ف	ا	ر	ب		
۱۱															
۱۲	ک	ن	ت	س	ی	ل	ش	ر	م	ا	ف	ا	ل		
۱۳	ش	ا	ن	ت	و	ی	ر	ا	ر	ا	ب	ی	ا		
۱۴	و	ی	ر	ک	و	ل	م	و	ک	ل	ج	ش	و		
۱۵	ر	م	ز	ن	ی	و	ی	ل	ا	س	ی	م	ت		

افتتاح نمایشگاه صنایع‌دستی حکاکی روی فلز در وزارتخانه

نمایشگاه صنایع‌دستی حکاکی روی فلز به‌صورت برجسته و تلفیق با فیروزه در ساختمان مرکزی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی افتتاح‌شده و تا پایان این هفته ادامه دارد. آثار این نمایشگاه از صنایع‌دستی فاخر ایرانی ازجمله بشقاب‌های تزئینی شکلات خوری‌ها در انواع مختلف طرح نقره و برجسته، آجیل خوری‌ها، شیرینی خوری‌های مختلف طرح نقره و برجسته گلدان‌ها، قاب‌ها، زیورات و... است.

جشنواره ملی پسته در رفسنجان برگزار می‌شود

رئیس میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی رفسنجان از برگزاری جشنواره ملی پسته به‌مناسبت پنجمین سال ثبت ملی پسته و صدمین سال کاشت صنعتی پسته در رفسنجان خبر داد و گفت این جشنواره در شش بخش، فیلم، عکس، بازی‌های بومی و محلی، شعر و آوا و نوای برگزار می‌شود و واسط آبان با معرفی برگزیدگان در رفسنجان به کار خود پایان می‌دهد. مهلت ارسال آثار تا ۱۰آبان ۱۴۰۰ است. آیین‌های مرتبط با پسته سال ۹۵ در فهرست ملی میراث ناملموس کشور ثبت شد.

وقتی از تلاشت نتیجه نگیری، منزوی و افسرده می‌شوی

افراد سالم است و هیچ فکری برای افراد معلول نشده‌است. سختی‌های تحصیلی ما به چشم افراد عادی نمی‌آید، درحالی که برای نابینا رفت‌وآمد و تأمین منابع آموزشی همیشه یک دغدغه بوده. به خاطر دارم دوره دبیرستان یک سال بدون کتاب درسی تحصیل کردم. نزدیک سه سالی که در خوابگاه دانشجویی بودم با وجود همه سختی‌ها یادگرفتم مستقل باشم و به تنهایی رفت‌وآمد کنم و همین استقلال برایم بسیار ارزشمند است. در جامعه پا گذاشتم و تحصیل کردم، در حالی که خیلی از نابینایان به دلیل سختی‌ها و مشکلات خانه‌شین شده‌اند. به نظر من نابینایان اول از هر چیز باید برای رسیدن به اهداف اجتماعی‌شان تلاش کنند، هر چند انرژی زیادی از آنها خواهد گرفت ولی باید تلاش کنیم و پشتکار داشته باشیم تا بتوانیم خود را با محیط بینایان وفق دهیم.

به نظرتان جامعه مانحوه ارتباط درست با معلولان به‌ویژه نابینایان را فرارگرفته است؟
متأسفانه هنوز برخورد با افراد معلول در جامعه ما مناسب نیست که به احتمال زیاد دلیلش عدم اطلاع‌رسانی و فرهنگسازی است. من به‌عنوان یک نابینا زمانی که در ستون آگهی‌ها به دنبال کار می‌گردم متوجه این برخورد نامناسب می‌شوم. حتی وقتی می‌خواستم قالیبافی را شروع کنیم با اتحادیه فرش‌بافان که تماس گرفتیم کارشناس فرش با شک و دودلی زیاد راهنمایی‌مان می‌کرد ولی کاراکه شروع کردیم و پی به توانایی‌هایمان که برد، بیشتر همراهی و کمک‌مان کرد.

دوست داری یک روز دوباره بینایی‌ات را به‌دست بیاوری؟

دوره دبیرستان دوست داشتم ببینم چون رابطی داشتم که زبانش خوب نبود و به‌سختی سؤالات را برایم می‌خواند یا در امتحانات اکثراً دپری می‌آمد و من در آن شرایط آرزو می‌کردم ای‌اش من هم مثل بقیه از نعمت بینایی برخوردار بودم تا بتوانم با آرامش امتحان دهم.

انتظارتان مسؤولان چیست؟

راستش بسیار ناراحتم از کم‌توجهی مسؤولان به افرادی که از نعمت بینایی محرومند و در کنار دیگر دانش‌آموزان در مدارس به‌سختی تحصیل می‌کنند و در پایان کار که باید نتیجه بگیرند و شغلی داشته باشند تا نیازهای روحی و مالی‌شان تأمین شود، به‌حال خود‌ها می‌شوند و همین نتیجه نگرفتن از تلاش در نهایت باعث سرخوردگی، انزوا و افسردگی نابینایان می‌شود.

کاش ساده‌ترین چیزها برای هیچ‌کسی آرزو نشود

پذیرفتم و سعی کردم از آنها لذت ببرم وهمه اینها با گذشت زمان به‌وجود می‌آید. بزرگ‌تر که می‌شوی متوجه اینها می‌شوی و دیدن دیگر برایت اهمیتی ندارد. لمس‌کردن هم نوعی دیدن است و زمانی که چیزی را برای اولین بار لمس می‌کنیم آن را در ذهن خود می‌سازیم و با پذیرش این شرایط اولین گام مثبت را در جهت موفقیت برمی‌داریم.

چطور می‌توانی بگویی محدودیت‌ها را پذیرفته‌ای و از خیر تماشای دنیا گذشتی؟

من هم هنوز به‌طور کامل محدودیت خود را نپذیرفته‌ام و گاهی که سختی‌ها و مشکلات سر راهم قرار می‌گیرد از شرایطی که دارم ناراحت می‌شوم. ولی این یک واقعیت است که انسان باید تحت هر شرایطی حرکت کند و از حالت سکون و ایستایی خارج شود. وقتی انسان پذیرفت که باید حرکت کند کم‌کم شرایط هم فراهم می‌شود و توانایی‌های دیگر را جایگزین محدودیت‌هایش می‌کند. وقتی شروع به قالیبافی کردیم به دلیل نبود بینایی سختی بسیاری کشیدیم و کار یک‌ماهه برای ما شش‌ماه طول کشید اما سختی کار را دوست دارم چون ذهنم را به چالش می‌کشد و هنر دست و استعدادی که خدا به من داده جلوه‌گر می‌شود و این برایم لذتبخش است. به نظر من قدم اول همیشه سخت است ولی وقتی که برمی‌داریم حمایت‌ها پشت سر هم می‌رسد. ندیدن البته آدم را محدود می‌کند ولی آن‌هم با تکنولوژی و کمک افراد عادی به نتیجه می‌رسد، بنابراین نمی‌توان تمام زندگی را به خاطر نداشته‌ها مختل کرد.

بیشترین مشکلاتی که افراد نابینا با آن مواجهند کدام است؟

مشکل تردد یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ماست. متأسفانه خیابان‌های شهر برای تردد نابینایان و افراد معلول مناسب‌سازی نشده و به همین علت این افراد مشکلات بسیاری در تردد دارند. از طرفی هر روز هم طرح ترافیک جدیدی اجرامی‌شود که مشکلات نابینایان را بیشتر کرده است.

بحث اشتغال هم یکی دیگر از مشکلات مهم ماست و با وجود این‌که ادارات دولتی موظف شده‌اند ۱ درصد ظرفیت استخدام خود را به افراد معلول و نابینا اختصاص دهند شاهدیم که این مساله رعایت نمی‌شود و در حد حرف باقی مانده است. 📌



گپ و گفت ما با شبنم سعادت ای هنر قالیبافی اش و این‌که چطور به این هنر حرفه روی آورد، شروع می‌شود و می‌رسد به مشکلات و چالش‌هایی که او به عنوان یک معلول در این مسیر و در زندگی با آن درگیر بوده و هست. شبنم متولد ۱۳۷۱ و ساکن روستای دیزج آباد است و مدرک کارشناسی ارشدش را با بالاترین نمرات در رشته تاریخ تمدن اسلامی از دانشگاه سراسری قم گرفته است. قالیبافی، دومدانی و عضویت در تیم شطرنج نابینایان، بخشی از فعالیت‌ها و توانمندی‌های اوست؛ دختری که معتقد است اگر کسی نتواند به اهداف و خواسته‌های خود برسد، دلش را باید در ضعف و سستی و عدم پشتکار خود جست و جو کند.

چطور و چرا در مسیر قالیبافی قرار گرفتید؟

ماجرای از یک نذر شروع شد و ادای دینی که به گردنم بود و برای ادای آن تصمیم گرفتم خودم دست به کار حرفه‌ای شوم. با یکی از دوستان قدیمی تماس گرفتم و مرا به این سمت سوق داد. البته بیکاری هم برایم آزادهنده بود، ضمن این‌که به هنر قالیبافی هم علاقه‌مند بودم.

زمانی که شروع به آموختن کار کردم تازه کرونا آمده بود. علاوه بر این نقص عضو ظاهری هم بود. با این همه ایمان داشتم که اگر کاری را شروع کنم تا انتها ادامه می‌دهم. همین‌طور هم شد؛ گرچه انرژی زیادی برای این کار گذاشتم (چند برابر دیگران) اما همین سختی کار انگیزه و تلاشم را بیشتر کرد.

خانواده چقدر در موفقیت شما تاثیرگذار بوده‌و هستند؟

همگام بودن با یک نابینا و هموار کردن مسیر زندگی برای نابینایان نیازمند این است که در دنیای بیرنگ بچه‌های نابینا غرق شوی و گاهی فراموش کنی که خودت هم بینایی و این تنها کار خانواده است. این‌که تمام سختی‌ها را به جان بخری و نگاهت را به دیگری ببخشی تا با چشم‌های تو ببینند و زندگی کنند، تنها کار مادران است که من هم در مسیر زندگی این را تجربه کردم و این پدر و مادر و برادرانم بودند که کمک‌حالم شدند.

حتما در طول زندگی هم با مشکلات و سختی‌های زیادی مواجه بوده‌اید. از آنها هم‌کمی بریایم می‌گویند؟

زندگی یک نابینا همیشه جدال با مشکلات است، چه در زمینه کار و تحصیل و چه تفریح چرا که تمام زیرساخت‌های کشور ما در راستای رفع نیازهای

شبنم یک همراه خوب هم دارد که طی مسیر با او راحت‌تر شده است، همراه او فاطمه موحّد است که مثل خودش از نعمت بینایی محروم است.

کارشناسی فارغ‌التحصیل شود و به پیشنهاد شبنم در مسیر فراگیری هنر قدم بردارد.

به‌عنوان یک هنرمند نابینا چه آرزویی داری؟

آرزو می‌کنم ساده‌ترین چیز، معمولی‌ترین نعمت، هیچ‌وقت برای هیچ‌کس آرزو نشود، این‌که به راحتی در خیابان راه بروم بدون این‌که سوزنه نگاه افراد باشم. آرزو می‌کنم مشکل اشتغال و ازدواج که راه همه جوان‌ها را سد کرده و در قشر نابینا بسیار حادتر است، حل شود. مساله اشتغال یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که با آن مواجهیم. آن‌قدر که برخی افراد نابینا با وجودی که در بهترین دانشگاه‌های کشور تحصیل کرده‌اند هنوز بی‌کارند. جامعه بسیاری از توانایی‌های افراد نابینا را نادیده گرفته است. خانه‌های نابینا بیشتر از بقیه با نوان با مشکل ازدواج مواجهند. در چنین شرایطی که یک خانم نابینا نه امکان ازدواج دارد و نه کار، در عین حال که به خودشناسی و خودباوری رسیده مجبور می‌شود در زندان خانه محبوس شده و در نهایت به بیماری افسرده‌گی دچار شود.

برخورد روزفرا مردم با یک نابینا چگونه است؟

شوربختانه نوع برخورد با نابینا درست نیست و فرهنگ پذیرش نابینا در جامعه وجود ندارد. زمانی که ما را در خیابان می‌بینند اولین چیزی که به ذهن مردم می‌رسد ناتوانی ماست، انکار افراد عادی با چشم‌شان حرف می‌زنند، با چشم‌شان کار می‌کنند یا با چشم‌شان راه می‌روند، درحالی‌که افراد نابینا توانایی‌هایی دارند که بقیه افراد از آن محرومند و به‌جای توجه به این توانایی‌ها تنها نقص نابینایی آنها به چشم دیگران می‌آید.

دوست داری دوباره توان دیدن را به‌دست بیاوری؟

کوچک‌تر که بودم دوست داشتم ببینم و همان کارهایی را بکنم که افراد بینا انجام می‌دهند، مثلاً به تنهایی رفت‌وآمد کنم. به مرور با شرایط کم‌تار آمدم و عاشق ندیدن شدم چون روی داشته‌هایم تمرکز کردم و محدودیت‌هایم را